

Subject: A Strategic Path to Peaceful Change in Iran

Dear Mr. President,

I write to you as an Iranian-American who has spent decades studying the Islamic Republic's political structure, documenting its hostile constitutional commitments against the United States, and observing the failures of the so-called Iranian opposition. My purpose is not to seek help for the people inside Iran, but to present a realistic path to peaceful constitutional change that directly strengthens U.S. national interests.

For 45 years, Washington has focused mainly on personalities—Shah, Khomeini, Khamenei, “moderates,” “reformists,” or media-approved opposition figures. This approach has consistently failed because the real source of hostility is structural: the Constitution of the Islamic Republic itself, which mandates anti-American foreign policy, international terrorism as a tool of statecraft, and permanent conflict with the West. Individual actors come and go; the constitutional engine of hostility stays in place.

The second misunderstanding concerns the “opposition.” Certain exiled personalities are treated as credible alternatives merely because they appear in Western media. However, many of these figures neither represent the Iranian people nor offer a viable governing framework. Some in fact play a convenient role for the regime—disorganizing, discrediting, and fragmenting the opposition ecosystem to ensure no structured alternative emerges. Any U.S. strategy that relies on these personalities will lead to the same outcome as the past 20 years: public theater without strategic effect.

The winning path is constitutional and peaceful, not military. It consists of three elements:

- 1- Expose the Islamic Republic Constitution to American policymakers and global opinion as the source of terrorism and anti-American aggression.
- 2- Engineer international legitimacy for a constitutional transition—peaceful, civilian, and without military intervention—focused on dismantling the system, not exchanging one individual for another.
- 3- Build parallel political capacity outside the regime, not around media celebrities, but around constitutional design, transitional governance, and post-conflict legal architecture.

This approach removes the Military-Industrial Complex incentive for endless conflict, denies Tehran the propaganda of U.S. aggression, and creates the conditions for Iran's reintegration into the global economy without war.

Mr. President, history has placed Iran at a crossroads. No current U.S. policy—not sanctions, not secret agreements, not celebrity politics—will produce a durable outcome unless it targets the structural source of the conflict. A peaceful constitutional transition in Iran is achievable, low-cost, and aligned with American interests. It requires only the political vision to break from the failed patterns of the past.

Respectfully,

Sohrab Chamanara

www.cyrusforce.org

عنوان: مسیر راهبردی برای تغییر آرام و قانونمند در ایران

جناب آقای رئیس‌جمهور،

اینجانب به عنوان یک ایرانی-آمریکایی که دهه‌ها ساختار سیاسی جمهوری اسلامی را مطالعه کرده، تعهدات خصمانه این نظام در قانون اساسی‌اش نسبت به ایالات متحده را مستندسازی نموده، و ناکامی‌های آنچه «اپوزیسیون» نامیده می‌شود را از نزدیک مشاهده کرده‌ام، این نامه را خدمت شما تقدیم می‌کنم. هدف من درخواست کمک برای مردم داخل ایران نیست، بلکه ارائه یک مسیر واقع‌بینانه برای تغییر آرام و قانونمند است که مستقیماً منافع ملی ایالات متحده را تقویت می‌کند

طی ۴۵ سال گذشته، واشنگتن عمدتاً بر افراد و چهره‌ها متمرکز بوده است—شاه، خمینی، خامنه‌ای، «میان‌روها»، «اصلاح‌طلبان»، یا چهره‌های رسانه‌پسند اپوزیسیون. این رویکرد همواره شکست خورده، زیرا منبع واقعی خصومت، ساختاری است نه شخصیتی: قانون اساسی جمهوری اسلامی که سیاست خارجی ضدآمریکایی، تروریسم بین‌المللی به‌عنوان ابزار حکمرانی، و تعارض دائمی با غرب را الزام‌آور می‌کند. افراد می‌آیند و می‌روند، اما موتور قانونمند خصومت پایرجا می‌ماند

سوءتفاهم دوم درباره «اپوزیسیون» است. برخی چهره‌های تبعیدی تنها به این دلیل که در رسانه‌های غربی حضور دارند، به‌عنوان آلترناتیو معتبر معرفی می‌شوند. حال آن‌که بسیاری از آنان نه نماینده مردم

ایران هستند و نه چارچوب حکمرانی قابل اجرا ارائه می‌دهند. برخی نیز عملاً نقش خدمتکارانه‌ای برای رژیم ایفا می‌کنند—با بی‌نظم‌سازی، بی‌اعتبارسازی و تکه‌تکه کردن فضای اپوزیسیون، تا هیچ آلترناتیو سازمان‌یافته‌ای شکل نگیرد. هر راهبرد آمریکایی که بر این اشخاص تکیه کند، به همان نتایج ۲۰ سال گذشته منتهی خواهد شد: نمایش رسانه‌ای بدون اثر راهبردی

مسیر موفقیت‌آمیز، قانونمند و آرام است نه نظامی. این مسیر سه مؤلفه دارد

1- افشای قانون اساسی جمهوری اسلامی نزد سیاست‌گذاران آمریکایی و افکار عمومی جهانی به عنوان منشأ تروریسم و خصومت ضدآمریکایی

2- مهندسی مشروعیت بین‌المللی برای یک گذار قانونمند—آرام، مدنی، و بدون مداخله نظامی—که هدف آن برجیدن ساختار باشد نه جابجایی افراد

3- ایجاد ظرفیت سیاسی موازی در خارج از حاکمیت، نه حول محور چهره‌های رسانه‌ای، بلکه بر محور طراحی قانون اساسی، حکومت انتقالی، و معماری حقوقی پس از گذار

این رویکرد انگیزه مجتمع نظامی-صنعتی برای تداوم درگیری را از میان می‌برد، تبلیغات تهران درباره «تجاوز آمریکا» را خنثی می‌کند، و شرایط ادغام ایران در اقتصاد جهانی را بدون جنگ فراهم می‌سازد

جناب رئیس‌جمهور، تاریخ ایران را در نقطه‌ای سرنوشت‌ساز قرار داده است. هیچ سیاست‌کنونی ایالات متحده—نه تحریم‌ها، نه توافقات پنهان، و نه سیاست‌های مبتنی بر چهره‌محوری—به نتیجه پایدار نخواهد رسید مگر آنکه منبع ساختاری این تقابل هدف قرار گیرد. گذار آرام و قانونمند در ایران دست‌یافتنی، کم‌هزینه، و همسو با منافع آمریکا است. تحقق آن تنها نیازمند بینش سیاسی برای گسستن از الگوهای شکست‌خورده گذشته است

با احترام،

سهراب چمن‌آرا

www.cyrusforce.org